

محسن صبری*

رضا صولت**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۲۲

چکیده

مقاله حاضر درصدد بررسی تحول سیاست خارجی ترکیه در قبال اتحادیه اروپا از هم‌گرایی دویچ به سازه‌انگاری ونت است. در این راستا، نویسندگان ضمن نگاه تئوریک به این مسائل، جنبه‌های پراتیک را نیز مورد امعان نظر قرار خواهند داد. تغییر ساحت سیاست خارجی ترکیه از ساختارهای مادی صرف به ساختارهای مادی و غیرمادی، مهم‌ترین تحولی است که دستگاه دیپلماسی و سیاست‌گذاری ترکیه در قبال اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر تجربه می‌نماید. کسب جایگاهی برجسته در حوزه قدرت نرم برای ترکیه نویدبخش تجدیدنظر اساسی سیاست‌های اتحادیه اروپا در برابر ترکیه نیز شده است و دو بازیگر را به سمت برداشتی بین‌الادھانی از منافع و ارزش‌های مشترک و هم‌سو سوق می‌دهد که مهم‌ترین دست‌آورد سیاست خارجی ترکیه در قبال اتحادیه در سال‌های اخیر به حساب می‌آید. بر این اساس، مقاله پیش رو در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی می‌باشد که سیاست خارجی متحول ترکیه در برابر اتحادیه اروپا چه تأثیری بر ساخت اجتماعی و ویژگی‌های بین‌الادھانی دو طرف دارد؟

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ترکیه، اتحادیه اروپا، نظریه ارتباطات، نظریه سازه‌انگاری، ساختارهای غیرمادی، هویت

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

** دانشجوی دوره دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی – واحد علوم تحقیقات تهران

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۰۰ – ۸۱.

مقدمه

اتحادیه اروپا به عنوان بازیگری منحصر به فرد پس از جنگ جهانی دوم ظهور پیدا کرد و پس از فروپاشی نظام دوقطبی، به عنوان بازیگری اثرگذار و قدرتمند خود را وارد معادلات بین‌المللی نمود. پس از پیمان ماستریخت، این اتحادیه گام‌های پرشمار و بلندی هم برای گسترش و هم برای هم‌گرایی بیشتر برداشت. یکی از مواردی نیز که طی این دوران مورد توجه و بررسی مقامات این اتحادیه قرار گرفت، موضوع پیوستن ترکیه به این اتحادیه بوده است. تلاش ترکیه برای ورود به این اتحادیه و تصمیم‌گیری مقامات اتحادیه اروپا برای پذیرش این کشور، دو بازیگر را به نقطه مشترک «معیارهای کپنهاگ» رسانید. در واقع معیارهای کپنهاگ نقطه عطفی در روابط این دو بازیگر بوده است. اما سؤال این است که با توجه به شرط‌گذاری اتحادیه اروپا برای ترکیه برای ورود به این اتحادیه، آیا عمل کردن ترکیه به معیارهای کپنهاگ و تطبیق خود با آن، منتهی به پذیرش این کشور در اتحادیه اروپا می‌شود؟

پاسخ به این سؤال از سوی مقامات اتحادیه اروپا با تردیدهایی همراه است. بسیاری معتقدند سرمنشأ موانعی که برای ورود ترکیه به اتحادیه اروپا وجود دارد، همین تردیدهاست. ترکیه برای پاسخ و رفع کلی این تردیدها دست به ابتکارات ارزشمندی زده است که در چارچوب نظریه سازه‌نگاری قابل تامل است. افزایش نقش منطقه‌ای خود، پیشرفت‌های اقتصادی چشمگیر، موفقیت‌های دموکراتیک و کاهش قدرت نظامیان، گام‌های مثبت در به رسمیت شناختن حقوق کردها، تلفیق موفقیت‌آمیز میان اسلام و دموکراسی، آرایه الگوی نوینی از اسلام معتدل و لیبرال و غیره بخشی از اقدامات ترکیه در پاسخ به تردیدهای اروپاییان بوده است.

مقاله حاضر در سیری معنادار به دنبال این است تا سیاست خارجی ترکیه در قبال اتحادیه اروپا را بر اساس نظریات ارتباطات دویچ و سازه‌نگاری ونت بررسی نماید. در واقع ابتدایی‌ترین سؤال مقاله حاضر این است که چرا ترکیه در پیوستن خود به اتحادیه اروپا، در ارتباطات، انتقال پیام عضویت و در پیش‌بینی‌پذیری رفتار اروپاییان در مقابل این درخواست، موفق عمل نکرده است؟ فارق از پاسخ‌های مختلفی که برای این سؤال وجود دارد، این عدم موفقیت نشان‌دهنده آن است که نظریه ارتباطات دویچ در توصیف، تبیین و پیش‌بینی سیاست خارجی دو بازیگر در

برابر هم موفق عمل نکرده است. در واقع در طول جنگ سرد ما شاهد شکل‌گیری فرم اولیه اتحادیه اروپا و هم‌گرایی میان کشورهای اروپای غربی هستیم و با توجه به شکل نظام بین‌الملل در این دوره، نزدیکی میان این کشورها اجتناب‌ناپذیر بوده است. به همین علت ترکیه همچنان در سیاست خارجی خود از تحلیل هم‌گرایی در مقابل اتحادیه اروپا استفاده نمود. هم‌زمان با تحولات و شکل‌گیری چالش‌ها در اتحادیه اروپا، از میزان هم‌گرایی اعضای اتحادیه اروپا کاسته و به همان میزان بر واگرایی اعضا افزوده شد. بنابراین ترکیه با توجه به تحولاتی که در سیاست‌های داخلی خود تجربه کرد (که ظهور حزب عدالت و توسعه اصلی‌ترین آن است)، اکنون سیاست خارجی ورود به اتحادیه اروپا را از منظری متفاوت در نظریه و عمل دنبال می‌کند. در این چارچوب سران حزب عدالت و توسعه در حالی به روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا شتاب بخشیده‌اند که قبلاً در زمان دولت‌های ائتلافی از مخالفین سیاست‌های غرب محور ترکیه بوده و اتحادیه اروپا را به مثابه کلوپ مسیحی تلقی می‌کردند، اما اکنون سیاست‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حزب حاکم عدالت و توسعه در راستای هم‌گرایی با شرایط عضویت در اتحادیه اروپا قرار گرفته و با استفاده از تمامی ابزارهای ممکن به دنبال تحقق آرزوی دیرینه و تاریخی ترکیه بوده‌اند؛ تا آنجا که دست به بازنگری ایدئولوژی، دیدگاه‌ها و برنامه‌های حزبی خود زده و اصلاحات سیاسی و اقتصادی قابل توجهی را در راستای عضویت در اتحادیه اروپا انجام داده‌اند. بنابراین باید گفت سران حزب عدالت و توسعه امروز درصدد هستند تا از ویژگی‌های بین‌الذهانی میان خود و اتحادیه اروپا در سیاست خارجی استفاده نمایند تا ضمن حفظ پرستیژ ترکیه، زمینه را برای ورود به اتحادیه اروپا با تمایل دو طرفه ایجاد نمایند.

نوشتار حاضر با عنایت به این مسائل درصدد بررسی تحول سیاست خارجی ترکیه در قبال اتحادیه اروپا از هم‌گرایی دویچ به سازه‌انگاری ونت است. در این راستا، نویسندگان ضمن نگاه تئوریک به این مسائل، جنبه‌های پراتیک را نیز مورد امعان نظر قرار خواهند داد. در این چارچوب این سؤال اصلی مطرح است که، سیاست خارجی متحول ترکیه در برابر اتحادیه اروپا چه تاثیری بر ساخت اجتماعی و ویژگی‌های بین‌الذهانی دو طرف دارد؟ پاسخ موقت به پرسش حاضر این خواهد بود که، سیاست خارجی ترکیه با تحول در ارزش‌های هنجاری مربوط به دموکراسی،

دیپلماسی فعال، افزایش نقش در هنجارهای بین‌المللی، احترام به حقوق بشر و ارتقای آن، احترام به حکومت قانون و غیره، ضمن ایجاد ساختارهای بین‌الذهانی مشترک میان خود و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، سبب استقبال اروپاییان از عضویت ترکیه در این اتحادیه می‌شود.

برداشت ارتباطی سیاست خارجی ترکیه از هم‌گرایی با اتحادیه اروپا

کارل دویچ^(۱) از منظری علمی - تجربی به هم‌گرایی در سطوح مختلف می‌نگرد. نقطه عزیمت دویچ (۱۹۶۰) این است که «شاخصه همه اجتماعات میان اشخاص، وجود حجم چشمگیری از مبادلات میان آنهاست.» او در آثار خود در مورد ملی‌گرایی نیز بر این نکته تأکید داشت که جوهره مردم، وجود ارتباطات است؛ یعنی توانایی انتقال پیام، فهم آن و پیش‌بینی‌پذیری رفتاری به شکلی متقابل. علاوه بر ارتباطات اجتماعی، تبادلات اقتصادی نیز مردم را به هم می‌پیوندد.^۱

پیش‌زمینه ذهنی مقامات ترکیه از اتحادیه اروپا از همان ابتدا مبتنی بر هم‌گرایی با این نهاد بوده است. بنابراین، این کشور در سیاست خارجی خود نیز درصدد پیاده‌سازی هر آنچه که سبب هم‌گرایی با اعضای این اتحادیه می‌شد تا عضویت ترکیه در آن حاصل شود، بوده است. در طی این مدت، تبادلات اقتصادی بالا با اتحادیه، غرب محوری در سیاست خارجی، ایفای نقش در اروپا در قالب ناتو و سایر نهادها و غیره، بخشی از سیاست‌های ترکیه برای نشان دادن هم‌گرا بودن با اتحادیه اروپا بوده است که همگی این موارد در قالب نظریه ارتباطی دویچ قابل ارزیابی است. طبق نظریه دویچ، هم‌گرایی بر اساس ارتباطات در این دوران میان ترکیه و اتحادیه اروپا، بیشتر ماهیتی اقتصادی داشت و کمتر مقامات ترک بر سر ارتباطات اجتماعی و هنجارها و ارزش‌های مشترک سرمایه‌گذاری کردند. برآیند چنین گزاره‌ای این بوده است که بسیاری از نظریه‌پردازان، جنس ترکیه و اتحادیه اروپا را دو چیز متفاوت بپندارند؛ یکی، کشوری اسلامی و دیگری، کلویی مسیحی.

1. Karl W. Deutsch

بعدها در نگاه دویچ، هم‌گرایی نیازمند ارزش‌های مشترک و تصورات سنن مشترک گردید. در برداشت ارتباطی، هم‌گرایی هم یک «وسیله» است و هم یک «هدف». بنابراین تمرکز بر ارتباطات اقتصادی نوعی نقصان را در خود داشت که این موضوع به‌تنهایی برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا کافی نبود. در سیاست خارجی ترکیه در قبال اتحادیه اروپا باید گفت که بعد هنجاری و ارزشی تا حدود زیادی نادیده گرفته شده و تنها در سال‌های اخیر است که ترکیه به‌دنبال پیشبرد هم‌زمان هم‌گرایی اقتصادی با هم‌سویی ارزش‌ها، هنجارها و سنن مشترک است. برای این مهم، ترکیه درصدد پیاده‌سازی چند راهبرد مهم است؛ پیشرفت و رشد اقتصادی بالا در کنار برداشتن گام‌های بلند برای دموکراسی بیشتر در ترکیه، به‌کارگیری دیپلماسی فعال در کنار دفاع از هنجارها و ارزش‌های جهانی، حمایت از حاکمیت قانون و هنجارهای مربوط به حقوق بشر. این موارد در ادامه مقاله به صورت سیاست‌های ترکیه در قبال اتحادیه اروپا ذیل عناوین مختلفی با پایه نظریه سازهانگاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیاست خارجی ترکیه در قبال اتحادیه اروپا بر اساس رویکرد سازهانگاری

الف. اصول و مفروضه‌های نظریه سازهانگاری و سیاست خارجی ترکیه

سازهانگاری به‌عنوان یکی از رویکردهای نظریه عام انتقادی، مفروضه‌های هستی‌شناختی خردگرایی^(۱) در مورد روابط بین‌الملل و سیاست خارجی را به‌چالش می‌طلبد و اصول و گزاره‌های متفاوت دیگری را ارایه می‌دهد.^(۲) گلر و واسکوئز معتقدند که سازهانگاری همچون نظریات واقع‌گرایی و لیبرالیسم یک پارادایم می‌باشد که از فرمول‌های مشخص نظری تشکیل شده است و به صورت (هسته‌ای) از فرضیه‌ها و دیدگاه‌های نظری که به‌صورت یک رویکرد، دستورالعمل‌هایی را در اختیار متخصصین قرار می‌دهد، می‌باشد.^(۳) به طور کلی، سازهانگاری در معنای عام آن شامل دو گونه «متعارف» و «انتقادی» می‌شود؛ سازهانگاری متعارف (و یا به‌زعم برخی اندیشمندان «خاص») گونه‌ای از سازهانگاری محسوب می‌شود که در عین حال که با

1. Rationalism

نظریه‌های جریان اصلی متفاوت است، تفاوت‌هایی را نیز با نظریات انتقادی و پست مدرن دارد؛ در واقع به هر میزان که این برداشت از لحاظ نظری و شناخت‌شناسی از رویکردهای انتقادی فاصله بگیرد، به همان میزان به برداشتی متعارف نزدیک‌تر می‌شود.^۴ در واقع در نگاه هاف، جنبه‌هایی از نظریه انتقادی^(۱) توسط برداشت متعارف سازه‌انگاری، «متعارف» شده است، که در این نقطه نیز وجوه تمایز این دو رویکرد مشخص می‌گردد. در برداشت انتقادی به هر دوی کنشگران و مشاهده‌کنندگان اهمیت داده می‌شود؛ در صورتی که در برداشت متعارف، به ارتباط میان پدیده‌ها و موضوعات آنگونه که در گستره‌ای از معانی بین‌الذهانی شکل می‌گیرد، تاکید می‌شود.^۵ با وجود این دو دیدگاه معتقدند که شناخت جهان اجتماعی از طریق معانی و واقعیت‌های بین‌ذهنی^(۲) میسر است، و در حقیقت آن چیزی که مردم به‌عنوان واقعیت می‌شناسند، از راه کنش اجتماعی حاصل می‌شود و بدین خاطر، کلیدواژگان قدرت و آگاهی در هر دو دیدگاه نقش کلیدی بازی می‌نمایند.

ونت به‌عنوان مؤثرترین شخصیت این رویکرد، این نظریه را این‌گونه معرفی می‌کند: «سازه‌انگاری نظریه ساختاری (کلان) نظام بین‌الملل محسوب می‌شود که دولت‌ها، واحدهای اولیه تحلیلشان در نظریه‌های سیاسی هستند و سیستم بین‌الملل متشکل از دولت‌ها، دارای ساختاری می‌باشد که ویژگی بین‌الذهانی آن برجسته است و بخش مهمی از منافع و هویت دولت‌ها به‌وسیله این ساختار اجتماعی ساخته می‌شود.»^۶ راگی نیز سازه‌انگاری اجتماعی را، «آگاهی بشری و نقشش در امور بین‌الملل می‌داند که متکی بر بُعد بین‌الذهانی کنش بشری است.»^۷ یک تحلیل سازه‌انگار از مسأله همکاری، بیشتر بنیان شناختی دارد تا رفتاری؛ زیرا به شناختی بین‌الذهانی می‌پردازد که ساختار هویت و منافع، یعنی ساختار «بازی» را به‌مثابه امری برون‌زا نسبت به خود تعامل تعریف می‌کند و این تعامل نمونه‌ای از آن قرار می‌گیرد.^۸ سازه‌انگاری همچنین تاکید اصلی خود را اساساً بر رابطه میان وابستگی متقابل غیرمادی و فهم هویت و اجتماع قرار می‌دهد. از دیدگاه کولین، واقعیت اجتماعی چیزی است که با تفکر یا صحبت ما

1. Critical Theory

2. Intersubjective Communities

درباره آن از طریق اجماع ما درباره طبیعت یک چیز؛ با اتصال آن به همدیگر به وسیله مفاهیمی که ما برای درک و دریافت آن به کار می گیریم، ساخته می شود.^۹

سازهانگاری عمدتاً روی آگاهی و هویت منطقه‌ای، احساس تعلق به یک اجتماع منطقه‌ای خاص و یا آنچه اصطلاحاً «منطقه‌گرایی شناختاری» گفته می شود، تمرکز می کند. سازهانگاران معتقدند که با درک ساختارهای بین‌الذهانی می توان جهت تغییر منابع و هویت‌ها و نیز ظهور اشکال جدید، همکاری را در طول زمان ردیابی کرد.^{۱۰} کنشگران اجتماعی در تعاملی مبتنی بر قواعد و هنجارهای بین‌ذهنی، منجر به فهم اجتماع و جامعه می شوند.^{۱۱} جهان اجتماعی شبکه‌های تفسیری است که افراد و گروه‌های انسانی آنها را شکل می دهند. به بیان نیکلاس اوف، سازهانگاری از «کردارها»^{۱۲} شروع می شود؛ یعنی آنچه انجام می شود، اعمالی که صورت می گیرند و کلماتی که گفته می شوند.^{۱۳} در حقیقت یکی از کارکردهای این نظریه بازگردانیدن فرهنگ و سیاست‌های داخلی به عرصه نظریه روابط بین‌الملل است.

به هر ترتیب باید اذعان داشت که در نظریه سازهانگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می کنند در واقع طرفداران این رویکرد، هنجارها و قواعد اساس بازی‌های بین‌المللی تلقی می گردند و مانع از جهت‌دهی ویژه دولت‌ها می شوند؛ و منطقی عقلایی برای مقبولیت عملکرد خود فراهم می آورند.^{۱۴} هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می شود و این «فرایند» است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می نماید. در واقعیت امر، رهیافت سازهانگاری بر دیدگاه‌ها، عقاید و تاثیر آنها تاکید ویژه‌ای دارد؛ یعنی عواملی که الزامات تاثیرات مادی آن به فوریت قابل مشاهده نیست. طبق این مفروض باید اذعان داشت که پس از ظهور جمهوری ترکیه، اسلام‌گرایی با مخالفت و تضاد با حکومت بومی طرفدار غرب مبتنی بر ایدئولوژی کمالیسم پیوند خورده است. این ایدئولوژی، هدف خود را ادغام ترکیه در «تمدن معاصر» معرفی کرد. با توسعه سیستم چندحزبی پس از ۱۹۵۰، نخبگان با تفکرات کمالیستی از یکدیگر جدا و احزاب سیاسی مختلف پدیدار شدند. برای مثال، حزب دموکراتیک که در انتخابات ۱۹۵۰ پیروز شد، از تئوری

1. Deeds

کمالیسم دفاع کرد. حزب دموکراتیک سعی داشت تا سیاستی را دنبال کند که بر سه نکته تاکید می‌نماید: ادغام ترکیه با اروپا، مطرح کردن اقتصاد بازار آزاد و توسعه یک سیستم غیردینی که به حقوق و ارزش‌های مذهبی احترام بگذارد.^{۱۴} کمالیسم هنوز یک قدرت در حیات سیاسی ترکیه محسوب می‌شود، خاصه در زمینه تعلیم و تربیت، ارتش و نظامیان، احزاب سیاسی سکولار و بوروکراسی دولتی. این امر نشان می‌دهد که تمایلات اسلام‌خواهانه مبتنی بر ویژگی‌های جهادی و تقسیم‌بندی دارالاسلام و دارالکفر در ترکیه محلی از اعراب ندارد. منافع ترکیه اکنون و سابق مبتنی بر اصول و رهیافت‌های مصطفی کمال پاشا بوده و تنها در دوره‌های مختلف راهبردهای دولت‌ها با یکدیگر متفاوت بوده است و با ورود به عصر جهانی‌شدن، لزوم درک و بینش جدید از منافع نیز نزد سیاسیون ترک احساس شده است. بر این اساس است که حزب عدالت و توسعه در صدد الگو شدن و ارایه مدل معتدل و لیبرالی از اسلام بوده است. بنابراین ترکیه و اتحادیه اروپا در تعامل با یکدیگر، هویت غیرهمسان و متضادی ندارند، بلکه در تعریف منافع خود امروز بیش از دیروز و فردا بیش از امروز دارای منافع هم‌سویی هستند که برگرفته از هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌های مشترک است.

ب. هویت و اسلام سیاسی ترکیه

با توجه به اینکه ساختارها به رفتار بازیگران اجتماعی و سیاسی، اعم از افراد و کشورها شکل می‌دهند، ساختارهای هنجاری یا انگاره‌ای (مانند فرهنگ، زبان، مذهب، گفتمان و غیره که هم جنبه شناختی دارند و هم جنبه ارزشی) به همان اندازه ساختارهای مادی حایز اهمیت هستند. واینر یکی از مهم‌ترین گزاره‌های رهیافت سازه‌انگاری را این می‌داند که «محیط جهانی تنها به عوامل مادی محدود نمی‌شود، بلکه فاکتورهای فکری و هنجاری نیز از اهمیت برخوردارند».^{۱۵} رویکرد سازه‌انگاری، علاوه بر جنبه تنظیمی بر جنبه تکوینی هنجارها نیز توجه دارند و بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرآیندها مانند تعاملات به وجود می‌آیند و این تفاوت محسوسی میان این دو رویکرد است.^{۱۶} پس در رویکرد سازه‌انگاری، هویت کنشگران یعنی «کیستی و چیستی» شان را هنجارها، ارزش‌ها و ایده‌های نهاده‌ای در محیط آن شکل می‌دهند و متعاقب شکل‌گیری این هویت است که کنشگران می‌توانند منافعشان را تعریف کنند.^{۱۷}

با در نظر گرفتن این گزاره‌های سازه‌نگارانه باید گفت، قانون اساسی ترکیه در ۱۹۲۸ عنوان دین رسمی این کشور را حذف نمود و در تجدیدنظرهای بعدی نیز ترکیه همچنان کشوری لائیک و سوسیال دموکرات که حقوق بشر را محترم می‌شمارد، اعلام شد. در ماده ۲۴ قانون آزادی عقاید، آزادی اعتقادات مذهبی و عمل به آن تصریح شده، لیکن هرگونه استفاده از دین برای اهداف سیاسی ممنوع اعلام گردیده است. در قانون اساسی ترکیه تصریح شده است که آموزش و تعلیمات دینی باید تحت نظارت و کنترل دولت انجام گیرد. ماهیت غیرمذهبی بودن ترکیه به مفهوم آن است که دین، حق دخالت در امور سیاسی کشور را ندارد، لیکن دولت نیازهای مذهبی مردم را تامین می‌کند. دولت ترکیه معتقد است دین پیونددهنده اساس جامعه است و باید کنترل شود و سیاست ملی را حمایت نماید. با بررسی اصول قانون اساسی ترکیه می‌توان استنباط کرد که دولت ترکیه به شدت با دخالت دین در امور سیاسی مخالف است.^{۱۸} بنابراین اصل لائیسزم، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین میراث بر جای مانده از آتاتورک برای ترکیه است که خود در چند محور مهم خلاصه می‌گردد:

۱. به حاشیه راندن نقش اجتماعی و سیاسی دین؛
۲. محو ارزش‌ها و تجلیات اجتماعی دین در سطح جامعه؛
۳. پی‌گیری راهبرد نگاه به غرب و جذب در ساختارهای غربی به جای سیاست نگاه به شرق؛
۴. تجددخواهی، هرچند در سطح نه در عمق؛ به بیان دیگر، اعمال متجددانه نه لزوماً ایمان به باورهای متجددانه؛
۵. برداشتن مانع دین از راه توسعه نه با پریدن از روی آن بلکه با انهدام آن؛
۶. تاکید بر هویت ترکی به جای هویت اسلامی؛
۷. عرفی‌گرایی در مقابل دین‌باوری و سنت؛
۸. دین دولتی، استفاده از دین و احساسات دینی در مواقع ضروری برای انسجام ملی و دفع تهدیدات در عین حال با کنترل درآوردن دین و دین‌داران از طریق تاسیس پست‌هایی همچون وزارت دیانت.^(۱)

1. Diyanet Bakanligi

لائسیسم آتاتورک در واقع بر این باور بود که در معامله‌ای با مردم ترکیه در ازای ستاندن ارزش‌ها و باورهای دینی (به‌ویژه تجلیات اجتماعی و سیاسی آن) به آنان تجدد و مدرنیت می‌دهد و ملت ترکیه به پیشرفت و ترقی نخواهد رسید، مگر با نفی سنت‌های پوسیده و جذب شدن در الگوی غربی در تمام ابعاد.^{۱۹} در کنار تفکراتی لائیکی بنیان‌گذاران ترکیه نوین، ترکیه سکولار آرزوی همیشگی غرب بوده و به نوعی نشانه غلبه فرهنگ غرب تلقی می‌شده، اما واقعیت این است که ترکیه هرگز به مرحله سکولاریسم حقیقی نرسیده است.

اگر واقعیت تناقض‌آمیز اسلام، مدرنیته و ملی‌گرایی را در بطن جامعه ترک به‌عنوان یک واقعیت موجود بپذیریم، در همان زمان ناچار به پذیرش واقعیت دیگری نیز هستیم، اینکه به نظر می‌رسد رهبران کنونی ترکیه کوشیده‌اند در بین منافع، گرایش‌ها و وضعیت موجود ترکیه موضعی واقع‌گرایانه پیشه کنند. آنها همچنین می‌کوشند تا در منطقه پرکشمش خاورمیانه نقش میانجی‌گری در مساله فلسطین بازی کنند. در عین حال که بر موجودیت یک دولت مستقل فلسطینی مستقل با صلح پایدار تاکید می‌کنند، به اشتراکات و منافع دوسویه نیز تاکید می‌نمایند. با این حال رابطه ترکیه با اسرائیل نیز هیچ‌گاه خصومت‌آمیز نبوده است. حتی اسرائیل در این میان کوشیده است تا از رویه میانه‌روی ترکیه به‌عنوان یک کشور اسلامی، افزون بر نقش دوستانه اروپاییان و نقش حمایتی آمریکا بهره‌برد. چنان‌که اسرائیل در برابر هرگونه فعالیت‌های بنیادگرانه اسلامی موضع‌گیری می‌کند، اما از ترکیه مسلمان معتدل استقبال می‌کند. در حقیقت یکی از موفقیت‌های دولت فعلی ترکیه که موجب اقبال در انتخابات اخیر نیز شد، به سیاست خارجی ترکیه بر می‌گردد. تفسیر معتدل از اسلام و چارچوب اجتماعی و حقوقی سکولاریسم، راه را برای ظهور مواضع انتقادی در برابر افراط‌گرایی و خشونت در ترکیه هموار کرد. این تفسیر منحصر به ترکیه از اسلام، بعضی محققان را به این سو هدایت کرد که آن پدیده را «استثناگرایی اسلامی ترکیه» بنامند.^{۲۰}

اسلامی که حزب عدالت و توسعه ارایه می‌دارد و یا به عبارت بهتر اسلامی که در ترکیه حاکم است، چیزی شبیه به دموکرات مسیحیان در اروپاست که بین مسیحیت و مدرنیته و سیاست آشتی ایجاد کرده‌اند. در واقع مدلی این‌چنینی در ترکیه در حال ارایه است؛ دین و مدرنیته، دین

و سیاست در کنار هم قرار دارند. در زمینه اسلام سیاسی نگاه جامعه و سیاسیون ترکیه بر روی متون اسلامی معتدل است. حزب میانه‌روی عدالت و توسعه توانسته است تا حدودی تصویر اسلام را در افکار عمومی تعدیل کرده و خود را پایبند به قواعد بازی سکولارها نشان دهد. اگر از سویی رجب طیب اردوغان از سیاست‌های اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی انتقاد می‌کند، از سوی دیگر سعی دارد به روابط دیپلماتیک با این رژیم پایبند بماند و از سویی با جدیت بیشتری نقش یک میانجی را در نزاع اسرائیل و فلسطین به‌عهده بگیرد.

این نوع نگاه به اسلام در ترکیه در حالی صورت می‌گیرد که بسیاری از مسلمانان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، حالت تندروانه و برداشت بنیادگرایانه از اسلام را در خود حفظ نموده‌اند و به هویت اسلامی خود بیش از هویت اروپایی پایبندند؛ مانند مسلمانان الجزایری تابع فرانسه که در یک مسابقه فوتبال هنگام خوانده شدن سرود ملی فرانسه «هو» کشیدند. شکل‌گیری تعریفی بین‌ذهنی میان ترکیه و اتحادیه اروپا از اسلام معتدل و میانه‌رو، نه تنها باعث رفع و از بین بردن دیدگاهی می‌شود که مسلمان بودن ترکیه را به‌عنوان مانعی برای ورود این کشور به اتحادیه اروپا می‌داند، بلکه به‌عنوان کاتالیزور و برگ برنده‌ای برای عضویت این کشور به حساب می‌آید. این موضوع ضمن اینکه از ترکیه تصویری به‌عنوان الگویی برای مسلمانان تندرو اروپایی می‌سازد، برای اروپاییان نیز این فرصت را فراهم می‌سازد تا با پذیرش ترکیه، مفهوم «کلوپ مسیحی» بودن را رفع و چهره مثبت‌تری نزد افکار عمومی جهان اسلام تداعی نماید.

ج. ملیت ترک و ملیت اروپایی

در میان گزاره‌های مهم سازه‌انگاری، این نظریه به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابند. در این روند سعی می‌شود مختصات فرهنگ، سیاست و جامعه داخلی که با هویت و رفتار دولت در سیاست جهانی ارتباط پیدا می‌کند، مورد بررسی قرار گیرد. از این منظر، سیاست بین‌الملل از دید سازه‌انگاران به‌عنوان یک برساخته اجتماعی، قلمروی اجتماعی است که ویژگی‌های آن در نهایت از طریق ارتباطات و تعامل میان واحدهای آن تعیین می‌شود. پس در این دیدگاه می‌توان شباهت‌هایی را

با مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل و تاکید آن بر جامعه بین‌الملل فراتر از نظام بین‌الملل مشاهده نمود؛^(۱) زیرا سازه‌نگاری نقدی فرانظری بر تضاد کلاسیک میان نظم و آنارشی نیز تلقی می‌شود.^(۲) در عصر جهانی شدن و گسترش ارتباطات، ملیت تا حدودی معنا و مفهوم اصلی و ابتدایی خود را از دست داده است، اما با وجود این اصلی مهم در تفکیک و حس تعلق میان انسان‌ها به حساب می‌آید. یکی از چالش‌هایی که اتحادیه اروپا با آن درگیر است، هویت واحد و ملیت واحد می‌باشد. پیوستن کشورهای شرق اروپا به این اتحادیه به این چالش دامن زده است. سؤال این است که آیا یک فرد مجاری یا لهستانی به یک اندازه با یک فرد فرانسوی احساس هویت و ملیت یکسان می‌کنند؟ و یا اینکه، تا چه میزان کشورهای عضو اتحادیه حاضرند از هویت و ملیت ملی خود به نفع هویت و ملیت بزرگ‌تر ذیل اتحادیه اروپا دست بردارند؟

واقعیت این است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا و به‌ویژه اعضای تازه‌وارد، بر روی یک تعریف بین‌ذهنی مشترک با برجسته‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای مشترک کار نموده‌اند و این خلا چالشی جدی را امروز پیش روی اتحادیه اروپا گذارده است. در نگاه مقامات اروپا نیز این ترس و دل‌نگرانی وجود دارد که ورود ترکیه چالشی هویتی - ملیتی جدید بر روی چالش‌های سابق بیفزاید. در مقابل ترکیه بسیار سعی می‌کند هویت اروپایی ملت خود را برجسته نماید تا از طریق آن دیدگاه بین‌ذهنی مشترک در سطح رسمی با مقامات و مسئولین اتحادیه اروپا و در سطح غیررسمی با ملت‌های عضو این اتحادیه به وجود آورد.

د. ساختارهای مادی

در نگاه نخست به نظر می‌رسد نظریه سازه‌نگاری به ساختارهای مادی بی‌توجه است، ولی واقعیت این است که این نظریه برای مقابله با نظریه‌هایی که صرفاً نگاهی مادی به روابط بین‌الملل دارند شکل گرفته و درصدد است که نشان دهد ساختارهای غیرمادی به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت هستند. بنابراین سازه‌نگاران هر دو بُعد را مورد امعان نظر خویش قرار می‌دهند؛ البته با

۱. سازه‌نگاران نیز مانند پیروان مکتب انگلیسی، نظام بین‌الملل را جامعه بین‌الملل می‌دانند.

توجه بیشتر به ارزش‌ها و هنجارها (ساختارهای غیرمادی). در یک کلام سازه‌نگاری نظریه‌ای است که درصدد ترکیب ساختارهای مادی قدرت و ساختارهای غیرمادی قدرت است. بر این اساس جمهوری ترکیه در کنار تقویت ساختارهای غیرمادی، باید از توجه به ساختارهای مادی نیز باز نماند. سیاست خارجی ترکیه در مقابل اتحادیه اروپا همواره بر ابعاد مادی به‌ویژه بُعد اقتصادی طرح‌ریزی شده است. از نظر اکثر مقامات ترکیه، ورود این کشور به اتحادیه مساوی با ادامه روند چشمگیر رشد اقتصادی این کشور خواهد بود. تاکید صرف بر امتیازات اقتصادی عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، تا حدودی تمام توان کشور را بر تاکید بر این جنبه عضویت صرف کرده بود. درحالی‌که روند تحولات منطقه نیز به طوری رقم خورد که مقامات ترک را متقاعد ساخت بدون عضویت در اتحادیه اروپا نیز می‌توان به رشد اقتصادی بالا ادامه داد. حمله ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده به افغانستان و عراق و پویایی منطقه‌ای ایجاد شده، فرصت‌های تجاری جدیدی برای ترکیه، نه تنها با باز کردن فعالیت سودآور جدید در بازارها؛ از جمله بازسازی عراق، بلکه با فراهم آوردن فرصتی برای ترکیه که به‌عنوان مصلح^(۱) و کلید مذاکرات منطقه مطرح گردد، ایجاد نمود.^{۲۲} امروز دولت حاکم در ترکیه واقف است که، خاورمیانه و کشورهای عربی تولیدکننده نفت، بازار مناسبی برای عرضه محصولات ترکیه و تداوم بخشیدن به رشد اقتصادی این کشور است. بنابراین دولت اردوغان به دنبال متعادل کردن سیاست خارجی ترکیه و بازی با تمام بازیگران جهانی و منطقه‌ای و ایجاد پیوندهای قوی اقتصادی با تمام کشورهای منطقه را در دستور کار قرار داد.^{۲۳} در واقع ترکیه از ۲۰۰۱ به این سو به طور متوسط رشد اقتصادی سالانه نزدیک به ۷ درصد را تجربه کرده است که مقام شانزدهم اقتصاد جهانی‌اش را تضمین کرد که جز اقتصادهای بزرگ جهان به حساب می‌آید. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^(۲) پیش‌بینی نموده است که ترکیه بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ با وجود رکود اقتصادی ۲۰۰۹، نرخ رشد متوسط ۷/۶ درصد را خواهد داشت، گلدمن ساچس^(۳) نیز معتقد است (شرط‌بندی نموده است) که

-
1. Peacemaker
 2. Organisation for Economic Co-operation and Development
 3. Goldman Sachs

ترکیه تا سال ۲۰۵۰ سومین اقتصاد بزرگ اروپا و نهمین اقتصاد بزرگ جهان خواهد شد.^{۲۴} بدین ترتیب ترکیه با کسب امتیازات اقتصادی ناشی از تحولات منطقه، توجه بیشتری به ساختارهای غیرمادی قدرت نمود. ولی با وجود این، همچنان مقامات ترکیه عقیده دارند پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا به میزان اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در این کشور می‌افزاید و از این راه از نرخ بیکاری و نیز میزان بدهی‌های خارجی ترکیه خواهد کاست.

ویژگی‌های ساختاری جامعه بین‌الملل و نقش ترکیه

ساختار و کارگزار متقابلاً به هم شکل می‌دهند. رفتار یا کنش مفهوم‌مند تنها در یک فضای اجتماعی بین‌الذهانی مقدور و ممکن است. بازیگران، توسعه روابط و فهم خود را از دیگران بر شبکه‌ای از هنجارها و اعمال استوار می‌سازند. رفتار یک بازیگر در یک ساختار معین، برای برخی هنجار تلقی می‌گردد؛ این در حالی است که عده‌ای دیگر از آن برداشتی ناهنجار می‌نمایند.^{۲۵} ریشه‌های مساله کارگزار - ساختار در دو سخن بدیهی درباره حیات اجتماعی قرار دارد که زیربنای قسمت اعظم و ارسطویی علمی اجتماعی است: الف. انسان‌ها و سازمان‌های آنان کنشگرانی دارای مقصود هستند که کنش‌های آنان به بازتولید یا تغییر شکل جامعه‌ای کمک می‌کند که در آن زندگی می‌کنند؛ ب. جامعه از روابطی اجتماعی ساخته شده که به تعامل‌های بین این کنشگران دارای مقصود، ساختار می‌دهد.^{۲۶}

به طور کلی در زمینه ارتباط ساختار و کارگزار در نظریه سازه‌انگاری برخلاف نظریه‌هایی چون نوافرگرای که واحدها مقدم بر ساختار هستند و پس از شکل‌گیری ساختار عملاً واحدها تحت تاثیر ساختار قرار دارند، سازه‌انگاران بر مکمل بودن این دو معتقدند؛ یعنی این دو متقابلاً همدیگر را می‌سازند و یا به عبارتی از طریق رویه‌های اجتماعی همدیگر را بازتولید می‌کنند.

ترکیه امروز در مسیری مطابق با این اصل گام برمی‌دارد تا از آن به‌عنوان برگ برنده‌ای جهت عضویت در اتحادیه اروپا سود برد. ترکیه از سویی خود را مطابق با منافع، سود و ارزش‌های مشترک قدرت‌های بزرگ در جامعه بین‌الملل نموده و از این طریق محدودیت‌های ساختاری نظام بین‌الملل علیه خود را تقلیل داده است. به‌عنوان نمونه، از نظر هیلاری کلینتون، وزیر امور

خارج ایالات متحده، ترکیه یکی از هفت قدرتی است که با ایالات متحده همکاری فعالانه برای حل مشکلات جهانی دارد.^{۲۷} از سوی دیگر، ترکیه با افزایش وزن سیاسی - دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی - ارزشی خود با ارایه الگویی جدید از حکومت‌داری و تلفیق اسلام و دموکراسی، توانسته است در تعامل با سایر واحدهای سیاسی مهم و اثرگذار، در بازتولید ساختار نظام بین‌الملل نقش مؤثری ایفا نماید.

نقش منطقه‌ای ترکیه

نظریه‌پردازان سازه‌نگاری، نظام بین‌الملل را «ساخته و پرداخته‌ای اجتماعی»^(۱) می‌دانند، یعنی نظام بین‌الملل چیزی جز نحوه اندیشیدن و تعامل انسان‌ها با یکدیگر نیست. آنان معتقدند نظام بین‌الملل چون ساخته و پرداخته‌ای اجتماعی است، جدای از برداشتی که انسان‌ها درباره آن دارند، موجودیتی ندارد.^{۲۸} از این منظر ساختارهای هنجاری و ایده‌ها، هنجارها و ارزش‌های بین‌الذهانی مشترک، تاثیر و نقش مهمی در سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها ایفا می‌کنند، ساختارهای فکری و هنجاری، نقش تاسیسی و تکوینی در شکل‌دهی به هویت و منافع کشورها دارند، ساختارهای فکری - هنجاری و کشورها متقابلاً یکدیگر را قوام می‌بخشند.^{۲۹}

پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، مخالفت پارلمان ترکیه (با اکثریت نمایندگان حزب حاکم) با درخواست آمریکا برای گشودن جبهه‌هایی از شمال در جنگ آمریکا علیه عراق، مهم‌ترین سؤالی که مطرح گردید این بود که آیا ترکیه هنوز هم نیاز به اتحاد با آمریکا پس از محیط جنگ سرد دارد؟ در واقع، آیا با توجه به منفور بودن ایالات متحده در خاورمیانه و اروپا، هنوز اتحاد با آمریکا امروز برای آنکارا با ارزش است؟ فارق از این پرسش، آنچه روشن است اینکه در صورت نبود منبع احساسات ضدآمریکایی در ترکیه، حزب عدالت و توسعه یک شریک ایده‌آل برای ایالات متحده در منطقه محسوب می‌شود.^{۳۰} حاکم شدن گفتمان مدرنیستی هویت ملی در دوران جنگ سرد، باعث شد ترکیه از جهان عرب و خاورمیانه به دلیل غربی تعریف کردن هویت

1. Socially Constructed

خود دوری کند، در حالی که ناگزیر از تعامل با همسایگان خاورمیانه‌ای خود بود.^{۳۱} در حالی که امروز، سیاست نگاه به شرق، توجه بیشتر بر حوزه خاورمیانه، نمایی متوازن به سیاست خارجی ترکیه بخشیده است. به عقیده گل، ترکیه به واسطه هم‌تراز کردن شرق و غرب، یک خط‌مشی سیاست خارجی معتبر را دنبال می‌کند.^{۳۲}

احمد داوداوغلو در کتاب خود با عنوان *عمق/استراتژیک* معتقد است که ترکیه جدا از متحدان یورو - آتلانتیک، در مرکز دایره متحدالمرکز سه ژئوپلیتیک نشسته است: ۱. حوزه زمینی نزدیک: بالکان - خاورمیانه - قفقاز؛ ۲. حوزه دریایی نزدیک: دریای سیاه - دریای آدریاتیک - شرق مدیترانه - دریای سرخ - خلیج فارس - دریای خزر؛ ۳. حوزه قاره‌ای نزدیک: اروپا، آفریقای شمالی آسیای جنوبی - آسیای مرکزی به سمت شرق.^{۳۳} از نظر وی برخلاف جنگ سرد که ترکیه بخشی از جهان غرب برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی بود، در حال حاضر ترکیه در مرکز انواع صورت‌های مختلف منطقه قرار دارد.^{۳۴} داوداوغلو ضمن اشاره به موقعیت جغرافیای فرهنگی منطقه تاکید می‌کند که ترکیه به‌عنوان تنها کشوری که دارای تجربه‌های تاریخی در این خصوص می‌باشد، باید ابتکار عمل را در دست بگیرد. وی این اقدام را هم برای آینده منطقه و هم به جهت حفظ تمامیت ارضی ترکیه حایز اهمیت می‌داند. وی همچنین معتقد است ترکیه نیاز به «صفر کردن مشکلات» با همه همسایگان خود دارد و ترکیه باید با توسعه «عمق استراتژیک» با استفاده از قدرت نرم و میراث تاریخی امپراتوری عثمانی در خاورمیانه به این مهم دست یابد.

این مساله تا حدود زیادی طی سال‌های اخیر از سوی دولت حاکم در ترکیه به سرانجام رسیده است. تاکید ویژه مقامات ترک به قدرت نرم نشان از بینش بالای آنها از نیازهای غرب در حوزه قدرت نرم است. تروریسم، بنیادگرایی اسلامی، مهاجرت و منازعات و مناقشات قومی و منطقه‌ای موضوعاتی هستند که در حوزه قدرت نرم غرب به طور اعم و اتحادیه اروپا را به‌طور اخص با چالش روبه‌رو ساخته است. در این راستاست که حاکمان ترکیه، تأکید زیادی در جلوگیری از زنده شدن و رشد اسلام‌گرایی رادیکال دارند، به نظر آنها عضویت در اتحادیه اروپا در تامین این هدف می‌تواند اثر زیادی داشته باشد.^{۳۵} تعامل سازنده و مثبت دولت اردوغان با کشورهای خاورمیانه از چند جهت به این امر کمک می‌نماید: نخست، کشورهای خاورمیانه را با

الگوی اسلام منعطف حزب عدالت و توسعه آشنا می‌نماید؛ دوم، کشورهای پیرو اسلام رادیکال را به تعامل با سایر بازیگران نظام بین‌الملل دعوت می‌کند؛ سوم، زمینه را برای پرورش اسلام تعامل‌خواه و تعامل‌گر را در کشورهای خاورمیانه ایجاد می‌نماید؛ و چهارم، معمای «تعامل دموکراسی با اسلام» در خاورمیانه را به صورت ملموس و روشن تا حد زیادی حل می‌کند.

از سوی دیگر، توسعه و تحکیم دموکراسی و ارزش‌ها و نهادهای سکولار غربی و اثبات سازگاری اسلام، دموکراسی و سکولاریسم، از دیگر اهداف ترکیه در تعامل با کشورهای منطقه خود برای نزدیکی غرب و جهان اسلام در رفع دلمشغولی‌های اتحادیه اروپا می‌باشد. به نظر می‌رسد غرب در پی برطرف کردن نگرش‌های عمیق ضد اروپایی در خاورمیانه و در پی خاموش کردن کانون‌های آموزشی تروریستی و برجیدن بساط افکار ضد غربی در منطقه است. با توجه به راهبرد حزب عدالت و توسعه در اتحاد با کشورهای خاورمیانه، این امر می‌تواند به استفاده ابزاری برای پیشبرد منافع غرب کمک کند. حزب عدالت و توسعه نیز آگاه است که مجاورت ترکیه با مرکز بی‌ثباتی منطقه‌ای (جهان)، در تقویت بی‌میلی اروپاییان در ایجاد نظر مساعد برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مؤثر است.^{۳۶} در حالی که در نگاه مخالفان عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، شرایط بحرانی و بی‌ثبات خاورمیانه، به‌عنوان عاملی سلبی برای عضویت به‌حساب می‌آید و معتقدند، با پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، این اتحادیه هم‌مرز و همسایه با منطقه‌ای بحرانی و کشورهای با نظام سیاسی بی‌ثبات، غیردموکراتیک، تندرو و ناقض حقوق بشر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ترکیه در مقابل اتحادیه اروپا در طی سال‌های متمادی مبتنی بر تئوری هم‌گرایی بوده است. به همین علت تاکید بر ساختارهای مادی و به‌ویژه هم‌گرایی اقتصادی مهم‌ترین اولویت سیاست‌هایشان بوده است. با اعلام نظر مقامات اروپایی در خصوص عضویت ترکیه در این اتحادیه و آرایه اصلاحات بر اساس معیارهای کپنهاگ، شاهد تغییر جهت تفکر سیاستمداران ترک در قبال این اتحادیه هستیم. تاکید بر آرایه الگویی از اسلام معتدل و تلفیق اسلام و دموکراسی، مقابله سخت و نرم با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی، حمایت از جنبش‌های

دموکراتیک خاورمیانه، میانجی‌گری در مسائل مهم منطقه خاورمیانه، استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی مناطق پیرامونی و غیره بخشی از اقدامات ترکیه برای افزایش وزن مادی و غیرمادی خود برای متقاعد نمودن سران اروپایی برای پذیرش این کشور در اتحادیه می‌باشد. بنابراین، تغییر ساحت سیاست خارجی ترکیه از ساختارهای مادی صرف به ساختارهای مادی و غیرمادی، مهم‌ترین تحولی است که دستگاه دیپلماسی و سیاست‌گذاری ترکیه در قبال اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر تجربه می‌نماید. کسب جایگاهی برجسته در حوزه قدرت نرم برای ترکیه نویدبخش تجدیدنظر اساسی سیاست‌های اتحادیه اروپا در برابر ترکیه نیز شده است و دو بازیگر را به سمت برداشتی بیناذهانی از منافع و ارزش‌های مشترک و هم‌سو سوق می‌دهد که مهم‌ترین دست‌آورد سیاست خارجی ترکیه در قبال اتحادیه در سال‌های اخیر به حساب می‌آید.

فهم مشترک از تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی، امنیت اروپا، تروریسم، بنیادگرایی اسلامی، اسلام سیاسی، حقوق بشر، بی‌ثباتی سیاسی و قومیتی خاورمیانه و غیره، توانسته است تا حدودی ذهنیت دو طرف را برای مقابله با این چالش‌ها به یکدیگر نزدیک نماید که در صورت تداوم آن پس از سال‌ها ساختارهای غیرمادی در روابط دو بازیگر از ساختارهای مادی پیشی خواهند گرفت و پذیرش ترکیه به‌عنوان عضوی از جامعه اروپایی اتحادیه آسان‌تر خواهد بود.

پاورقی‌ها:

۱. حمیرا مشیرزاده، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶، ص ۴۱.
۲. سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۸، ص ۴۳.
3. Daniel S. Geller and John A. Vasquez, "The Construction and Cumulation of Knowledge in International Relations: Introduction," in Daniel S. Geller and John A. Vasquez, (eds.), *The Construction and Cumulation of Knowledge in International Relations*, Malden, Massachusetts and Oxford: Blackwell for the International Studies Association, 2004, p. 1.
4. Ted Hopf, "The Promise of Constructivism in International Relations Theory," *International Security*, Vol. 23, No. 1, 1998, pp. 177-179.
5. Ibid.
6. Alexander Wendt, "Collective Identity Formation and the International State," *American Political Science Review*, Vol. 88, No. 2, 1994, pp. 383-384.
7. John Gerard Ruggie, *Constructing the World Polity: Essays on International Institutionalization*, London: Routledge, 1998, p. 12.
۸. الکساندر ونت، «اقتدارگرایی چیزی است که دولت‌ها خودشان می‌فهمند: ساخت‌های اجتماعی سیاست قدرت»، در: اندرو لینکلتر، جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵، ص ۶۳.
9. Finn Collin, *Social Reality*, London: Routledge, 1997, pp. 2-3.
۱۰. سیدعبدعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ دوازدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین مکتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۵، ص ۲۵۴.
11. Nicholas G. Onuf, "The Constitution of International Society," *European Journal of International Law*, Vol. 5, No. 1, 1994, pp. 3-4.
۱۲. ناصر هادیان، «سازهانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴، ۱۳۸۲، ص ۹۱۸.
13. Jeffrey T. Checkel, "The Constructivist Turn in International Relations Theory," *World Politics*, Vol. 50, No. 2, 1998, pp. 329-333.
14. Omer Caha, "Islam and Democracy from an Electoral Perspective: the Case of Turkey's AKP," *Election in Universal Framework*, Vol. 2, No. 1, 2003, p. 7.
15. Antje Wiener, "Constructivism: the Limits of Bridging Gaps," 2003, Available at: http://www.ciaonet.org/olj/jird/jird_sep03_wia01.pdf
16. See: F. Kratochwil, *Rules, Norms and Decisions: on the Conditions of Practical and Legal Reasoning in International Relations and Domestic Affairs*, Cambridge: Cambridge University Press, 1989.
۱۷. حمیرا مشیرزاده، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازهانگاری»، مجری طرح: نسرين مصفا با همکاری حسین نوروزی، نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵، ص ۱۶.

18. www.Bakusun.Az.8101/cyi-bin/avten/baksun/showegi?Code=7977
۱۹. مازیار آقازاده، «تقابل اسلام‌گرایی و لایسیسم در ترکیه امروز»، کتاب *آسیا ۴*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴، صص ۱۷۶-۱۷۵.
۲۰. بولنت ارس و سوله توکناش، «القاعده، جنگ علیه تروریسم و ترکیه»، ترجمه حسن نقدی نژاد و امیر محمد سوری، در: محمود واعظی و حسن نقدی نژاد، *سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷، ص ۲۰۷.
۲۱. ناصر هادیان، پیشین، صص ۹۱۸-۹۱۹.
22. Ziya Meral and Jonathan Paris, "Decoding Turkish Foreign Policy Hyperactivity," *The Washington Quarterly*, Vol. 33, No. 4, 2010, pp. 79-80.
23. Alexander Murinson, "The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy," *Middle Eastern Studies*, Vol. 42, No. 6, 2006, p. 953.
24. Jean-Paul Marthoz, "Ankara's New Foreign Policy: Turkey Turns the Tide," *The Broker*, Issue 24, February/March 2011, p. 11.
25. Ted Hopf, Op.cit., pp. 178-179.
۲۶. الکساندر ونت، «مساله کارگزار - ساختار در نظریه روابط بین‌الملل»، در: اندرو لینکلتر، *چالش علم و سنت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶.
27. Morton Abramowitz and Henri J. Barkey, "Turkey's Transformers," *Foreign Affairs*, November/December 2009, p. 1, Available at: <http://www.foreignaffairs.com/print/65624>
۲۸. فرد چرنوف، *نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل: مفاهیم و تفسیرهای متعارض*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴.
۲۹. سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، «نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل»، جزوه درس تئوری‌های روابط بین‌الملل (کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۸، ص ۴۴.
30. Joshua W. Walker, "Reexamining the U.S.-Turkish Alliance," *The Washington Quarterly*, Vol. 31, No. 1, Winter 2007-08, pp. 93-94.
۳۱. رحمن قهرمانپور، «اندیشه‌های داوود اوغلو معمار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعاتی استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۸، (تاریخ مراجعه: ۵ آبان ۱۳۸۹)، قابل دسترسی در: <http://strategicreview.org/?p=2354>
32. Şaban Taniyici, "Transformation of Political Islam in Turkey," *Party Politics Quarterly*, Vol. 9, No. 4, 2003, pp. 463-464.
33. Ahmet Davutoğlu, *Stratejik derinlik: Türkiye'nin uluslararası konumu* [Strategic Depth: Turkey's International Position], Istanbul: Kure Yayinlari, 2001, s. 118.
34. Meral and Paris, op.cit, p. 80.
۳۵. زهرا نوع پرست، «ترکیه و اتحادیه اروپا: دودستگی آرا»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال نوزدهم، شماره پنجم و ششم، ۱۳۸۳، ص ۸۴.
36. Berna Uzun, "Turkish-Israeli Relations in the Shadow of AKP Populism," Moshe Dayan Center, 2009, p. 2, Available at: http://www.dayan.org/Turkish-Israeli_%20relations.pdf